

جهانگیر زمانی‌طهرانی از هنرمندان پیشکسوت موسیقی، خواننده و عضو سابق ارکستر اپرای تهران درگذشت. او که در محضر اساتیدی چون محمود کریمی و اسماعیل مهردادش دوره‌های آواز را گذرانده بود، موسیقی رانزد رضا زاده واحمد یارسی ادامه داد. او پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در سال‌های جنگ ایران و عراق، با گروه‌های مختلف و ارکستر سمفونیک

درگذشت خواننده پیشکسوت اپرا



«گروه کر ۶۰سالگی» روی صحنه رفت و در شهریور ۱۳۹۵ نیز در کنسرت گروه موسیقی «مهرورزان» به سرپرستی شاهرخ شیردوست به‌عنوان خواننده حضور داشت. در مهر ۱۳۹۷ نیز در آیین تجلیل از هنرمندان ارکستر سمفونیک تهران که در دوران جنگ ایران و عراق فعالیت داشتند، از جهانگیر زمانی قدردانی شد.



و البته تعزیه است که در فضایی دایره شکل اتفاق می‌افتاد. همچنین بستر خاک موجود ضمن این‌که به ایجاد معانی مختلف در اجرا کمک می‌کند و دست‌افزاری برای اجرا محسوب می‌شود، برآمده از نمایش ایرانی است که در روستا اجرا می‌شد. بسیاری از تکنیک‌های اجرا، وامدار تعزیه است اما از نمادهای معاصرتر و امکانات بهتری که می‌تواند به ما کمک کند، بهره بردیم و یکی از مسائلی که سعی کردیم از آن بهره ببریم، مسأله نور و نورپردازی است.

۴] روی شخصیت‌ها نورهای مختلفی می‌دیدیم که در عین تغییر گفتار، نور هم روی آنها عوض می‌شد.

بله نورهایی روی کلاه‌خودها وجود دارد و تغییر می‌کند و انگار کلاه‌خودها با ما از زبان حر و حضرت عباس (ع) سخن می‌گویند

که به ایجاد معانی و ساخت شخصیت کمک می‌کند. نورهایی که ما نمی‌بینیم اما صدا را می‌شنویم و حضورش را از راه نور احساس می‌کنیم و البته که به طور مستقیم از تعزیه نیز بهره بردیم. در نمایش گریزی به اشلتم خوانی شمر، پشیمانی و ندامت حر و مقتل حضرت عباس(ع) می‌زنیم. پس از آن هم تعزیه‌خوان، بخش کوچکی از تعزیه حضرت عباس(ع) را اجرا می‌کند. پس از آن هم گریزی می‌زنیم به نوحه خوانی امروز؛ یعنی هم نوحه «ای عبدالبناب» که معاصر است را اجرا می‌کنیم و هم «سری به نیزه بلند است».

۴] چطور بازیگران برای اجرا با یکدیگر هماهنگ شدند؟

وقتی متن نمایش را خواندم، چندبار از خودم پرسیدم که چه چیزی در من این دغدغه را ایجاد می‌کند که آن را اجرا کنم؟ اولین موضوع جالب، همنوایی متن برای تعریف قصه عاشورا و سیاوش بود و این‌که مردم نادان، خوبی را همواره سر می‌برند و جمعیت گستاخ از این پشیمان هستند که یا خوبی را همراهی نکردند یا

تهران در اجرای بیش از ۵۰اثر همکاری داشت و در کنسرت‌های موسیقی ایرانی در کشور ژاپن نیز حضور یافت. همچنین بخشی از میان‌برده‌ها و قطعات باکلام برنامه رادیویی «سلام صبح بخیر» با صدای او، به‌صورت تکخوان یا همراه با گروه کر، ضبط و پخش شد. این هنرمند در سال‌های بعد هم فعالیت هنری خود را ادامه داد و در سال ۱۳۹۱ به‌عنوان تکخوان با **۴] شاید تا به حال نمایش‌های زیادی درباره محرم و عاشورا روی صحنه رفته باشد اما انگیزه شما از اجرای این نمایش به این شیوه چه بوده است؟**

۴] چطور شد که تصمیم گرفتید بیشتر از شاهنامه برای بیان داستانی درباره کربلا وام بگیرید؟

اجرای ما علاوه بر مذهبی و دینی بودن، نگاهی ملی و ایرانی هم به واقعه کربلا دارد؛ یعنی نمایش در مورد مصاحبت، تقابل و مواجهه یک مرد دبیر عرب است که کار کتابت انجام می‌دهد و یک طبیب ایرانی که قصه‌های زیادی را از سرزمین خودش به نینوا آورده و می‌داند امامی که از آن صحبت می‌کند، به اندازه‌ای نیک و خوب است که سرانجامی جز ریخته شدن خورش پیدا نمی‌کند؛ او این را از قصه‌های سرزمین خودش آموخته است. همیشه جمعیت لشکر شرارت بیشتر و شمار لشکر خوبی

و نیکی کمتر است اما از لحاظ ماندگاری در تاریخ، همیشه نیکی پابرجا می‌ماند و باعث می‌شود در ادوار مختلف این قصه‌ها در تاریخ بچرخد.

۴] درباره فرم اجرای دایره‌ای نمایش، مقداری توضیح دهید که تا حدودی با متن نمایش نیز همخوانی دارد.

همان‌طور که گفتم فرم و ایده اجرا، برآمده از نمایش‌های ایرانی

نمایش «سر سرخ» که این روزها در کارگاه نمایش تئاتر شهر در حال اجراست، بیش از آن‌که روایتی مستقیم از واقعه عاشورا باشد، تلاشی برای بازخوانی یکی از ماندگارترین روایت‌های تاریخ از مسیر حافظه فرهنگی است؛ اجرایی که تلاش می‌کند میان اسطوره، آیین و تاریخ پلی بزند و نشان دهد مفهوم «سربریدن حقیقت» چطور به‌وقوع می‌پیوندد. حسین عبداللهی در این نمایش به عنوان کارگردان، به جای تکیه بر الگوهای آشنای نمایش‌های عاشورایی، به سراغ پیوندی میان تعزیه، سوگ سیاوش، نقالی و شاهنامه رفته و در این میان، تصویری از تکرار همیشگی تقابل خیر و شر در تاریخ ارائه می‌کند. در سر سرخ، روایت انسان‌های پاکی که در برابر جهل، قدرت و خشونت قربانی می‌شوند اما حقیقت و نام‌شان از دل تاریخ حذف نمی‌شود، ارائه شده است. عبداللهی معتقد است ظرفیت نمایش‌های آیینی را می‌توان با بهره‌گیری از امکانات اجرایی امروز استفاده کرد و زبان تازه‌ای برای آن خلق کرد.

به همین دلیل، فرم دایره‌ای صحنه، خاک به عنوان عنصری زنده، نورپردازی معناگر، کلاه‌خودهایی که به جای بازیگران سخن می‌گویند و ارجاع همزمان به تعزیه، نقالی و نوحه‌های معاصر، همگی در خدمت

ساخت اثری قرار گرفته‌اند که گذشته و حال را به هم پیوند می‌دهد. او در این گفت‌وگو از چرایی وام گرفتن از شاهنامه برای روایت عاشورا، نقش فرم در انتقال معنا، چالش‌های اجرای نمایش در کارگاه نمایش، دشواری‌های شرایط این روزهای تئاتر و دغدغه‌ای صحبت می‌کند که سر سرخ بر پایه آن شکل گرفته است؛ یعنی یادآوری این‌که تاریخ بارها شاهد سربریده شدن نیکی بوده اما آنچه در حافظه جمعی ماندگار شده، روایت ایستادگی و حقیقت است. گفت‌وگوی زیر را با حسین عبداللهی، کارگردان این نمایش از نظر می‌گذرانید.



نسرین بختیاری گروه فرهنگ و هنر

۴] گروه فرهنگ و هنر

این نمایش به نوعی ادای دین به واقعه عاشورا است اما از منظر متفاوت و با فرم و شکلی خاص؛ یعنی به طور اساسی دغدغه فرمی برای اجرای این نمایش داشتیم. ایده اجرایی نمایش برگرفته از «تعزیه» و «آیین سوگ سیاوش» است

۴] این نمایش به نوعی ادای دین به واقعه عاشورا است اما از منظر متفاوت و با فرم و شکلی خاص؛ یعنی به طور اساسی دغدغه فرمی برای اجرای این نمایش داشتیم. ایده اجرایی نمایش برگرفته از «تعزیه» و «آیین سوگ سیاوش» است

۴] این نمایش به نوعی ادای دین به واقعه عاشورا است اما از منظر متفاوت و با فرم و شکلی خاص؛ یعنی به طور اساسی دغدغه فرمی برای اجرای این نمایش داشتیم. ایده اجرایی نمایش برگرفته از «تعزیه» و «آیین سوگ سیاوش» است

نمایش

صدور پروانه نمایش برای پنج فیلم سینمایی

شورای بازبینی فیلم‌های سینمایی با صدور پروانه نمایش پنج فیلم موافقت کرد. بر این اساس فیلم‌های «جانشین» به تهیه‌کنندگی روح‌الله سهرابی و کارگردانی مهدی شامحمدی، «حاشیه»

به تهیه‌کنندگی یوسف منصوری و کارگردانی محمد علیراده فرد، «زنده‌شور» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی کاظم دانشی، «غوطه‌ور» به تهیه‌کنندگی سعید پروینی و کارگردانی محمدجواد حکمی و انیمیشن «نگهبانان خورشید» به تهیه‌کنندگی مهدی جعفری و کارگردانی عماد رحمانی و مهرداد محرابی گزگری موافقت شورای پروانه نمایش فیلم‌های سینمایی را کسب کردند و در طول امسال در سینماها اکران خواهند شد. کاظم دانشی پیش از این فیلم بی‌بدن را در کارنامه خود ثبت کرده بود. این فیلم با بازی الناز شاکردوست، پژمان جمشیدی، نوید فرج پور و ….. به روایت ماجرابی جالبی می‌پردازد که داستان آن الهام گرفته از یک پرونده واقعی بوده است.



انتشار «صویر مثل بذر زمستان» با ترجمه شمس لنگرودی

کتاب «صویر مثل بذر زمستان» مشتمل بر گزیده‌ای از داستان‌های اثر کهن فرج بعد از شدت، نوشته قاضی ابوعلی محسن تنوخ‌ی به انتخاب و مقدمه شمس لنگرودی و با تصویرگری فرشید پارسی‌کیا منتشر شد. لنگرودی درباره این کتاب به ایسنا گفت: «در ادبیات کهن، آثار ارزشمند و قابل توجهی وجود دارد؛ کتاب‌هایی که هم از نظر ادبی اهمیت دارند و هم آموزنده‌اند. البته به برخی از این آثار در کتاب‌های درسی مراجعه شده است. یکی از این آثار «فرج بعد از شدت» است؛ کتابی که بارها ترجمه شده و برخی از ترجمه‌های آن نیز از میان رفته‌اند. ترجمه‌ای که من براساس آن کار کردم، با وجود این‌که در دوره نثر مصنوع و فنی پدید آمده، نثری روان و خوشخوان دارد و همین ویژگی باعث شده مورد توجه قرار گیرد. کتاب «صویر مثل بذر زمستان» در ۲۸۶ صفحه و با قیمت یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان از سوی نشر «وزن دنیا» روانه بازار کتاب شده است.

قاب

انتشار نسخه الکترونیک «فرهنگ جامع تماشاخانه‌های ایران»

نسخه الکترونیک «فرهنگ جامع تماشاخانه‌های ایران» منتشر شد. این مجموعه ۲۶جلدی به کوشش ناصر حبیبیان و غزال رحمانپور، بین سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ به انجام رسیده و در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ توسط انتشارات نمایش منتشر شده است.

در حال حاضر هشت جلد نخست آن در پلتفرم فیدیبو منتشر و در دسترس عموم علاقه‌مندان قرار دارد و نسخه‌های الکترونیکی جلد‌های دیگر آن نیز به‌زودی عرضه می‌شود. «فرهنگ جامع تماشاخانه‌های ایران» جامع‌ترین پژوهش در زمینه اطلاعات سالن‌های تئاتر کشور است و تاکنون پژوهشی با این وسعت وجود نداشته است.

این مجموعه به تفکیک هر استان شامل معرفی امکانات و تالارهای نمایشی فعال و غیرفعال است و در این میان به شکل ویژه تالارهای فعال هر استان مورد بررسی قرار گرفته. همچنین در این مجموعه ابعاد، نقشه‌ها و پلان هر سالن، امکانات و تجهیزات فنی شامل صوت، نور و تصویر، ظرفیت مخاطب و… به‌همراه عکس‌های دقیقی از بخش‌های مختلف هر سالن منتشر شده است.

جامعه

فرهنگ

CULTURE

سه‌شنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۵ ■ شماره ۷۳۶۷

یادداشت

دکتر غلامرضا خواجهی عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

مراقب نظامی اسلامی‌مان باشیم

فروپاشی تمدن اسلامی در اندلس، فرآیندی تدریجی بود که از «استحاله فرهنگی» آغاز و به سقوط سیاسی منجر شد. این فروپاشی نه تنها محصول حملات نظامی خارجی، بلکه نتیجه استراتژی چندمرحله‌ای نفوذ بود؛

۱. **نفوذ خزنده و استحاله اقتصادی:** ورود تجار و عوامل نفوذی در پوشش تبادلات تجاری، نخستین گام برای تسلط بر شریان‌های اقتصادی مسلمانان و ایجاد وابستگی بود.
۲. **تهاجم فرهنگی و تغییر سبک زندگی:** برگزاری مجالس، جشن‌ها و آیین‌های مشترک با هدف عادی‌سازی ارزش‌های بیگانه و تضعیف هویت دینی صورت گرفت. هدف این راهبرد، جایگزینی سبک زندگی اسلامی با الگوهای غربی (اروپایی) بود تا مقاومت درونی جامعه در برابر نفوذ فرهنگی از بین برود.

۳. **فساد دهمند (استراتژی نفوذ در نخبگان):** دشمن با آگاهی از نقش کلیدی «فرزندان حکام و نسل جوان» در بقای حکومت، از ابزارهای ضداخلاقی (از جمله حضور زنان آموزش‌دیده برای ترویج فساد و بی‌بندوباری) بهره برد. هدف از این کار، تهی کردن نسل آینده از غیرت دینی، تعهد سیاسی و خردمندی حکمرانی بود تا آنان راه‌به‌جای‌اندیشیدن به سرزノشت‌امت، به‌وادئ لذت‌گرایی و شهوت‌سوق دهد.
۴. **فروپاشی از درون و تسلیم نهایی:** وقتی نهاد‌های اصلی (خانواده، آموزش و مدیریت سیاسی) بر اثر فساد سازمان‌یافته دچار فروپاشی شدند، مقاومت نظامی معنای خود را از دست داد. در نهایت، اندلسی که قرن‌ها مهد علم و تمدن بود، به‌دلیل ضعف ساختارهای درونی، در برابر فشارهای نظامی خارجی تاب نیاورد و پس از ۱۱ قرن شکوه، به‌زوال رسید.

نتیجه‌گیری: درس بزرگ تاریخ اندلس برای جوامع اسلامی امروز، لزوم هوشیاری در برابر «جنگ نرم» است؛ چرا که دشمن پیش از آن‌که با شمشیر نظامی به مرزها حمله‌کند، با نفوذ در فرهنگ و باورها، سنگرهای درونی را فتح می‌کند.

تحلیل تکمیلی (نکات کلیدی برای بازخوانی تاریخی)
فهوم «نرم‌سازی» دشمن: نکته‌ای که در تحلیل طنط‌های (کتابا غروب آفتاب اندلس، ترجمه محمدجواد قریب) برجسته است، این‌که سقوط اندلس یک اتفاق ناگهانی نبود؛ بلکه یک «استحاله تدریجی» بود. دشمن به جای جنگ مستقیم، از «دیپلماسی عمومی» و «نفوذ فرهنگی» استفاده کرد تا حساسیت جامعه نسبت به تغییرات هویتی کاهش یابد.

هدف قرار دادن «نخبگان و مدیران»: یکی از کلیدی‌ترین بخش‌های کتاب تحلیل شما، اشاره به «فرزندان حکام» است. تاریخ نشان می‌دهد که هرگاه نسل دوم یا سوم یک تمدن، نسبت به آرمان‌های نسل بنیانگذار بی‌تفاوت شوند و به جای «مسئولیت‌شناسی» به «عافیت‌طلبی و فساد» روی آورند، آن حکومت از داخل دچار پوسیدگی شده‌است.

آموزش نفوذ: نکته مهم در مورد «دختران مامور از کلیسا» در متون تاریخی، اشاره به بهره‌گیری از «دیپلماسی نفوذ» است. این فرآیندها در علم سیاست امروز تحت عنوان «قدرت نرم» (Soft Power) بررسی می‌شوند که در آن، ابزارهای جذاب اما مخرب برای تغییر باورهای یک جامعه هدف به‌کار گرفته می‌شوند. مراقب پول‌های احتمالی آزاد شده، فقط برای خرید گندم تیار آمریکایی و شروع یک همکاری و تأسیس مراکز تجاری مشترک ایران و آمریکا در کشور و ادامه سیاست نفوذ و استحاله فرهنگی آمریکایی‌ها باشیم.

خطر نزدیک شده

فقط گندم و سویا نمی‌آید، خورار خورا محصولات فاسد فرهنگی و کم‌کم سیاسی به همراه آنها می‌آید! چرا برخی حواس‌شان پرت است؟ چرا می‌گویند مگر ما قبلا از همه‌جا کالا نمی‌خریدیم! چرا برخی می‌گویند اگر گندم آمریکا خوب بود، چرا خریداری نکنیم!